

حافظه نهان و مسئله قصد و آگاهی

داده باشد، به این شکل که فرد عمداً فهرست قبلی را در ذهنش بازیابی کند، یا اینکه از لحاظ پدیداری، به پاسخش آگاهی داشته باشد؛ یعنی اینکه بداند کلمه بازیابی شده قبلاً در فهرست وجود داشته است.

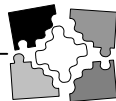
برای حل این مسئله، روش‌هایی پیشنهاد و به کار بسته شده که درباره آنها، در مقاله، توضیح کامل داده شده است. در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: یکی استفاده از معیار قصدمند بازیابی است؛ به این معنا که، آزمایش‌های حافظه نهان و آشکار از همه نظر یکسان هستند، جز در دستورالعمل آزمون. در آن صورت تفاوت فقط بر سر راهبرد و بازیابی قصدمند و غیر قصدمند است. این روش بسیار مورد استفاده قرار گرفته است، اما مسئله آگاهی را مدنظر قرار نمی‌دهد. دیگری، استفاده از ابزارهایی برای سنجش آگاهی فرد از پاسخ است. مثلاً به آزمودنی‌ها بعد از انجام آزمون پرسشنامه‌هایی داده و از میزان آگاهی آنها نسبت به محرک‌ها (مثلاً واژه‌ها) پرسیده می‌شود. یک راه مشابه سنجش همزمان آگاهی است؛ یعنی در حین انجام آزمون (مثلاً در آزمون تکمیل کلمات) در هر مورد از فرد خواسته می‌شود کلمه ناقص را با اولین کلمه‌ای که به ذهنش می‌آید کامل کند، جز با کلماتی که قبلاً در فهرست

تکمیل کلمات با استفاده از حروف اول آنها [word stem completion] (و ب) در مطالعات مفهومی (conceptual)، آزمودنی معانی محرک‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند (مانند تداعی واژگان با سر نخ و نام بردن مثال‌های مقوله [category] واژه‌ها). اما در این دو نوع مطالعه، احتمال آلودگی (contamination) به وسیله فرایندهای حافظه آشکار (explicit) وجود دارد. برای روشن‌تر شدن موضوع یک نوع مطالعه مثال زده می‌شود: در مطالعات «تکمیل کلمات با آگاهی از حروف اول آنها»، آزمودنی نخست فهرستی از کلمات را مطالعه می‌کند (که مثلاً واژه elephant نیز در آن وجود دارد)، بعد از آن باید فهرستی از کلمات را که فقط حروف اول آنها نشان داده شده است (مانند ele-) با اولین کلمه‌ای که به ذهنش می‌آید، تکمیل کند. در این مطالعات، آماده‌سازی (priming) رخ می‌دهد؛ به این معنا که، مطالعه کلمه elephant در فهرست اول، تکمیل ele- به صورت elephant را تسهیل می‌کند و بیشترین احتمال برای اینکه فرد کلمه را این گونه تکمیل کند، وجود دارد. اما ممکن است آلودگی رخ

در ۱۵ سال گذشته، مطالعاتی که به حافظه نهان (implicit) پرداخته‌اند، رشد قابل توجهی داشته‌اند. شاید آغاز آن مقاله مهم شاکتر (Shacter, 1987) باشد که حافظه نهان را این چنین تبیین می‌کرد:

«تجربیات پیشین فرد، عملکرد او را در انجام آزمایش‌ها (tasks) تسهیل می‌کنند، اما برای این کار نیازی به یادآوری آگاهانه و عمدی این تجربیات نیست». به عبارت دیگر، برای آنکه نشان دهیم حافظه نهان وجود دارد، باید دو شرط محقق شود: الف) راهبردهای مورد استفاده برای بازیابی (retrieval) عمدی (intentional) نباشد، و ب) یادآوری، آگاهانه و هوشیارانه (conscious) نباشد. اما محقق ساختن این دو شرط در مطالعات حافظه، امری دشوار بوده است.

برای بررسی حافظه نهان، روش‌های مطالعاتی بسیاری وجود دارد که آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) در مطالعات ادراکی (perceptual)، آزمودنی به تجزیه و تحلیل فرم و شکل محرک‌ها می‌پردازد (مانند روش‌های



آمده است (مثلاً در مثال سطور بالا، حروف ele-- را حروف با کلمه‌ای غیر از elephant تکمیل کند). این روش مناسبی است، اما به کار بردن آن در انواع دیگر مطالعات حافظه‌نهایان مورد تردید است.

با بررسی مطالعات مربوط به حافظه‌نهایان می‌توان به این نتیجه رسید، اما شرط قصدمند نبودن را، بیشتر مطالعات ادراکی محقق ساخته بودند تا مفهومی و دو شرط فقدان قصدمندی و آگاهی، فقط و فقط، در برخی آزمودنی‌های ادراکی محقق شده بود. به نظر نویسندگان، برای حفظ اصطلاح حافظه‌نهایان باید شواهد قطعی‌تری از مطالعات ادراکی و مفهومی به دست می‌آید و در ضمن در این مطالعات آگاهی از محرک‌ها نیز سنجیده شود. در غیر این صورت و اگر دو شرط فقدان قصدمندی و آگاهی در مطالعات رعایت نشود، مفهوم حافظه‌نهایان زیر سؤال می‌رود.

ترجمه و تلخیص: دکتر ونداد شریفی

Butler, L.T., & Berry, D.C. (2001). Implicit memory: intention and awareness revisited. *Trends in Cognitive Science*, 5, 192-197.